85102 ـ ضابطه‌های تکفیر

سوال

از شما بزرگواران می‌خواهم قواعدی که می‌توان با آن بر شخصی حکم کفر یا نفاق صادر کرد را توضیح بدهید تا اینکه در بدعتی که بسیاری از گروه‌ها در آن افتاده‌اند واقع نشوم؛ و ـ با نظر به اینکه من طالب علم مبتدی هستم ـ مرا به خواندن چه کتابی سفارش می‌کنید ؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

اولا: حکم به کافر یا فاسق بودن شخص بر عهده‌ی ما نیست بلکه به الله ـ متعال ـ و پیامبرش ـ صلی الله علیه وسلم ـ باز می‌گردد زیرا از جمله احکام شرعی است که منبع آن قرآن و سنت می‌باشند، بنابراین باید در نهایت دقت و اطمینان در این زمینه وارد شد، و جز کسی که قرآن و سنت او را کافر یا فاسق معرفی کرده‌اند، کسی کافر یا فاسق شناخته نمی‌شود.

در مورد شخص مسلمانی که در ظاهر عدالت دارد اصل بقای اسلام و بقای عدالتاست، مگر اینکه این عدالت بر اساس دلیلی شرعی از وی سلب شود و در مورد کافر یا فاسق دانستن شخص سهل انگاری جایز نیست زیرا وارد دو نهی بزرگ می‌شود:

یکی از آنها: دروغ بستن بر الله ـ متعال ـ در مورد اینکه این گفتار یا کردار موجب کفر یا فسق می‌شود.

دوم: انجام کاری که دست درازی به برادر است، اگر او بی‌گناه باشد.

در صحیح بخاری (۶۱۰۴) و مسلم (۶۰) از عبدالله بن عمر ـ رضی الله عنهما ـ روایت شده که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمود:هرگاه شخصی برادرش را کافر بداند این کفر به یکی از آن‌دو باز می‌گردد در روایتی آمده اگر همانگونه باشد که می‌گوید، وگرنه به خودش باز می‌گردد.

ثانیا: بنابراین واجب است پیش از حکم کفر یا فسق بر شخص مسلمان دو چیز مورد نظر قرار گیرد:

یکی: منطبق بودن این حکم بر گوینده‌ی معین یا انجام‌دهنده‌ی معین، به گونه‌ای که تمامی شروط تکفیر یا فاسق‌بودن در او وجود داشته باشد و موانع منتفی باشد.

از مهمترین شرطهای آن:

۱ـ اینکه شخص نسبت به کاری که وی را کافر یا فاسق می‌کند آگاه باشد؛ زیرا الله متعال فرموده: وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَى وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّى وَنُصْلِهِ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيراً [النساء:۱۱۵] و هر کس، پس از آنکه راه هدایت برای او آشکار شد با پیامبر به مخالفت برخیزد، و [راهی] غیر راه مؤمنان در پیش گیرد، وی را بدانچه روی خود را بدان سو کرده واگذاریم و به دوزخش کشانیم، و چه بازگشتگاه بدی است.
و فرموده : وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْماً بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّى يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ [التوبه:۱۱۵] و خدا بر آن نیست که گروهی را پس از آنکه هدایتشان نمود بی‌راه بگذارد، مگر آنکه چیزی را که باید از آن پروا کنند برایشان بیان کرده باشد. آری، خدا به هر چیزی داناست

به همین دلیل اهل علم گفته‌اند: آنکه فرایض را نپذیرد اگر تازه مسلمان باشد کافر نمی‌شود تا اینکه برایش بیان شود.

۲ـ یکی از موانع این است که شخص بدون اراده کاری بکند که موجب کفر یا فسق می‌شود، که صورت‌های مختلفی دارد، از جمله‌ی آنها: به آن کار مجبور شود و به خاطر اجبار و نه از روی رضایت آن را انجام دهد که در این صورت کافر نمی‌شود، زیرا الله ـ عزوجل ـ فرموده: مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْراً فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ [النحل:۱۰۶] هر کس پس از ایمان آوردن خود، به خدا کفر ورزد [عذابی سخت خواهد داشت] مگر آن کس که مجبور شده و[لی] قلبش به ایمان اطمینان دارد. لیکن هر که سینه‌اش به کفر گشاده گردد خشم خدا بر آنان است و برایشان عذابی بزرگ خواهد بود

از جمله اینکه: فکرش کار نکند؛ به خاطر شادمانی یا اندوه یا ترس بسیار یا مانند آن نفهمد که چه می‌گوید.

دلیل آن حدیثی است که در صحیح مسلم (۲۷۴۴) از انس بن مالک ـ رضی الله عنه ـ روایت شده که گفت: رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمود: قطعا الله از توبه‌ی بنده‌اش هنگامی که توبه می‌کند، شادمان‌تر می‌شود از یکی از شما که وسیله‌ی سواری‌اش در بیابانی از او گریخته باشد در حالی که غذا و نوشیدنی‌اش بر آن بوده است، پس نا امیدانه به سوی درختی رفته و در سایه‌ی آن دراز می‌کشد و از وسیله‌ای سواری‌اش نا امید شده است، پس در چنین وضعیتی ناگهان آن را نزدش حاضر می‌یابد و افسار آن را گرفته و از شدت شادمانی می‌گوید: خداوندا تو بنده‌ی من هستی و من پروردگارت، از شدت خوشحالی اشتباه می‌کند.

۳ـ یکی از موانع این است که شخص تأویل (برداشت) کرده باشد: یعنی شبهه‌هایی داشته باشد که آن را پذیرفته و گمان کند دلیل‌های واقعی هستند یا اینکه نتواند حجت شرعی را آن‌طور که باید و شاید بفهمد، پس تکفیر جز با محقق شدن عمدی بودن مخالفت و از بین رفتن جهالت، صورت نمی‌پذیرد.

الله ـ تعالی ـ می‌فرماید: وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُم بِهِ وَلَكِن مَّا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَّحِيماً [الأحزاب:۵] و در آنچه اشتباهاً مرتکب آن شده‌اید بر شما گناهی نیست، ولی در آنچه دلهایتان عمد داشته است [مسؤولید]و خداست که همواره آمرزنده مهربان است

ابن تیمیه ـ رحمه الله ـ در مجموع الفتاوی(۳۴۹/۲۳): می‌گوید:

امام احمد ـ رضی الله تعالی ـ برای آنها دعای رحمت نمود (یعنی خلفایی که از گفتار جهمی‌ها مبنی بر مخلوق بودن قرآن تأثیر گرفته بودند و از آن دفاع کردند) و برایشان درخواست آمرزش کرد زیرا می‌دانست که آنها برایشان آشکار نشده که با این گفته پیامبر را تکذیب کرده و آنچه آورده است را انکار می‌کنند ولی تأویل کردند و به اشتباه رفتند و از کسانی که این را گفتند تقلید کردند.

همچنین در مجموع الفتاوی (۱۸۰/۱۲) می‌گوید: و اما در مورد تکفیر، درست این است که هر یک از امت محمد ـ صلی الله علیه وسلم ـ اجتهاد کرده و هدفش رسیدن به حق بوده اما اشتباه کرده است، کافر نمی‌شود بلکه اشتباهش بخشیده می‌شود و هر کس آنچه از سوی پیامبر آمده برایش آشکار شود اما پس از آشکار شدن هدایت با پیامبر مخالفت کرده و راهی غیر از راه مؤمنان را در پیش گیرد او کافر است، و کسی که از هوای نفسش پیروی کرده و در جستجوی حق کوتاهی کرده و بدون علم سخن بگوید، عاصی و گناهکار است و چه بسا فاسق شود و چه بسا نیکی‌هایی داشته باشد که از بدی‌هایش بیشتر شود.

او ـ رحمه الله ـ (۳/۲۲۹) همچنین می‌گوید:

با این وجود کسانی که همنشین من هستند می‌دانند که من همواره بیش از هر کسی از نسبت دادن شخص معین به کفر یا فسق یا معصیت، نهی می‌کنم، مگر اینکه دانسته شود که با او اتمام حجت شده و بیان شده که هرکس آن کار را انجام بدهد کافر می‌شود، یا گاهی فاسق می‌شود یا اینکه گناهکار می‌شود، و من اقرار می‌کنم که الله اشتباهات این امت را آمرزیده استو این شامل خطا در مسائل خبری ـ گفتاری و مسائل عملی می‌شود؛ و سلف پیوسته در بسیاری از این مسائل اختلاف داشته‌اند و هیچیک از آنها گواهی کفر یا فسق یا معصیت علیه دیگری صادر ننمود .. و مثال‌هایی را ذکر نموده سپس می‌گوید: و من بیان کرده‌ام که آنچه از سلف و پیشوایان نقل شده که گفته‌اند هر کس چنین و چنان بگوید کافر است، حقیقت دارد ولی باید میان گفتن بدون قید (کلی) و معین کردن شخص تفاوت بگذاریم .. تا آنجا که می‌گوید: «تکفیر هشدار به عذاب است؛ و اگر گفتار شخص تکذیب سخن پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ باشد ولی او تازه مسلمان باشد یا اینکه در بیابان‌های دور افتاده رشد یافته باشد، چنین کسی با انکارش کافر نمی‌شود تا زمانی که حجت بر او اتمام نشود، و چه بسا شخص این نصوص را نشنیده باشد یا اینکه شنیده ولی برایش به اثبات نرسیده است، یا اینکه تناقضی برایش پیش آمده باشد مجبور شده آن را تأویل کند و اگرچه در اشتباه باشد؛ و من همیشه حدیثی که در صحیحین وارد شده را به یاد می‌آورم، درباره‌ی مردی که گفت: هنگام که مُردم مرا بسوزانید سپس آسیاب کنید، سپس در دریا بیاندازید، سوگند به الله ،

اگر الله بر من توان یابد مرا عذابی می‌کند که هیچیک از جهانیان را به آن صورت عذاب نکرده است. پس او را چنین کردند. الله فرمود: چه چیزی تو را واداشت که چنین کنی؟ گفت: ترس از تو. پس الله او را آمرزید. و شخصی که بر اساس اجتهاد تأویل کرده و بر پیروی از رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ حریص است از آن شخص به آمرزش سزاوارتر است»

(برگرفته از خاتمه‌ی کتاب القواعد المثلی از شیخ ابن عثیمین ـ رحمه الله ـ با اندکی اضافات).

بنابراین اکنون که موضوع تکفیر اینگونه است و خطر و اشتباه در آن بسیار است، بر جوینده‌ی علم ـ به‌ویژه اگر مبتدی باشد ـ واجب است که از پرداختن به آن دوری کند و به فراگیری علم سودمندی که برای دنیا و آخرتش مفید باشد بپردازد.

ثالثا: پیش از آنکه کتاب‌هایی را پیشنهاد بدهیم، نصیحت می‌کنیم که در فراگیری علم از علمای اهل سنت یاری بجویی زیرا این راه آسان‌تر و امن‌تر است، اما به شرطی که شخص از نظر علمی و دینی و پیروی از سنت و دوری از هوای نفس و بدعت، مورد اعتماد باشد.

محمد بن سیرین ـ رحمه الله ـ می‌گوید: این علم، دین است، پس بنگرید که دینتان را از چه کسی می‌گیرید (امام مسلم در مقدمه‌ی صحیحش آن را روایت کرده است).

و اگر جایی که هستی برایت امکان نداشت که در درس‌های اهل علم حضور یابی، می‌توانی از نوارهای درسی آنها استفاده کنی که اکنون می‌توان از طریق سی دی آنها را به دست آورد یا اینکه از سایت‌های اسلامی به دست آوردن آن آسان‌تر است، الحمدلله. همچنین می‌توانی از برخی از طلاب علم که نسبت به علم شرعی و پیروی از سنت حریص هستند استفاده کنی که کمتر مکانی وجود دارد که آنها نباشند، ان شاء الله.

رابعا: از کتاب‌هایی که شایسته است آن را به دست آورده و آن را مطالعه کنی:

ـ تفسیر: تفسیر شیخ ابن سعدی و تفسیر ابن کثیر

ـ حدیث: اربعین نووی همراه با یکی از شرح‌های آن و به ویژه کتاب جامع العلوم والحکم تألیف ابن رجب، سپس ریاض الصالحین که توجه بیشتری به آن نشان بده و می‌توانی از شرح شیخ ابن عثیمین ـ رحمه الله ـ سود ببری.

ـ عقیده: کتاب توحید تألیف شیخ محمد بن عبدالوهاب مهم است همراه با شرح آسانی از آن، همچنین عقیده‌ی واسطیه تألیف شیخ الإسلام ابن تیمیه به همراه کتابچه‌های مفید در این موضوع مانند: تحقیق کلمة الإخلاص تألیف ابن رجب و تحفة العراقیة في الأعمال القلبیة تألیف ابن تیمیه.

ـ استفاده از زاد المعاد ابن قیم ـ رحمه الله ـ و بسیاری از کتاب‌هایش مانند: الوابل الصیب و الداء والدواء.

اینها مجوعه‌ی اساسی برای مطالعه می‌باشند به ویژه اگر کسی را بیابی که در خواندن و فهم آن تو را یاری کند در آینده شناختت نسبت به کتاب‌های سودمند و مهم به تدریج بیشتر می‌شود إن شاء الله.

والله أعلم.